با دستگیری عاملان قتل راننده پراید آغاز شد

رازگشایی از جنایت در علفزار!

اختصاصی خراسان

سید خلیل سجادپور
info@khorasannews.com

کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد پس از دو هفته رصدهای اطلاعاتی و پیگیری های شبانه روزی، همسر راننده پراید (مقتول) و مرد جوانی را دستگیر کردند که رمز معمای جنایت در علفزار بودند.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ساعت ۲۰:۳۰ هفدهم دی، جسد مردی در صندلی عقب یک دستگاه پراید نقره ای درون علفزارهای حاشیه جاده کنویست مشهد کشف شد که بررسی های مقدماتی نشان داد جسد مربوط به مرد ۴۰ ساله ای به نام «محمد-ج» است که طبق نظر پزشکی قانونی آثاری از خفگی در زیر گلویش نمایان بود و حدود ۳۶ ساعت از مرگ وی می گذشت. همچنین ادامه تحقیقات شبانه در محل کشف جسد، حکایت از آن داشت که مالک خودروی پراید نقره ای «محمود-ج» (مقتول) است. بنابراین بررسی های پلیس در حالی با فرضیه های متفاوتی آغاز شد که بسیاری از فرضیه های جنایی در همان ابتدا با استنادات دقیق علمی و تجربی کنار گذاشته شد.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است یکی از فرضیه های قوی در این ماجرا، موضوع زورگیری و سرقت از راننده پراید بود که طبق تحقیقات گاهی در یکی از تاکسی های اینترنتی فعالیت می کرد اما فرضیه مذکور با این دلایل رد شد چرا که هیچ لوازمی به جز گوشی راننده سرقت نشده است و حتی داشبورد خودرو نیز دست نخورده باقی مانده بود! از سوی دیگر با توجه به اهمیت این پرونده پیچیده جنایی و با دستور سرهنگ محمدرضا فدائیان (رئیس پلیس آگاهی مشهد) چند گروه اطلاعاتی و عملیاتی از کارآزموده ترین افسران جنایی با هدایت مستقیم سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) وارد عمل شدند و بررسی های فنی را در شاخه های مختلف پلیسی ادامه دادند. هنوز ۲۴ ساعت بیشتر از این ماجرای وحشتناک نگذشته بود که افکار کارآگاهان بر جنایت با انگیزه اختلافات خانوادگی متمرکز شد چرا که آن ها همزمان با رصدهای اطلاعاتی به سرنخ هایی از معاشرت «محمود» (مقتول) با جوانی به نام «جواد-ع» رسیدند که از دوستان وی بود و بعد از کشف جسد نیز مدام در تماس با همسر مقتول ابراز نگرانی می کرد. به همین خاطر کارآگاهان به طور بسیار نامحسوس زن ۳۳ ساله مقتول را زیر نظر گرفتند و با رعایت اصول روان شناختی با وی رفتار می کردند چرا که او در جایگاه یکی از شاکیان پرونده به پلیس آگاهی رفت و آمد داشت. کارآگاهان با طرح فرضیه زورگیری توسط مسافرنماها، وی را وادار به واکنش های رفتاری می کردند و هر بار ظن آنان به اطلاع همسر مقتول از ماجرای جنایت بیشتر می شد تا این که در روند تحقیقات پلیسی، جلسه تحلیلی جرم با اسناد و مدارک موجود برگزار شد و قطعات پازل جنایت در علفزار در کنار یکدیگر قرار گرفت. طولی نکشید که گروه عملیاتی به سرپرستی سروان آرمین منفرد (افسر پرونده) وارد عمل شدند و صبح روز گذشته با هماهنگی قاضی خاکشور، در حالی به سراغ زن ۳۳ ساله مقتول رفتند که او به همراه پدرشوهرش به شعبه ۲۵۸ دادسرای عمومی و انقلاب مراجعه کرده بود تا مجوز ترخیص پراید مقتول از پارکینگ را دریافت کند!

بنابر گزارش روزنامه خراسان، این زن جوان که انتظار دیدن کارآگاهان در دادسرا را نداشت و بسیار سعی می کرد مانند همیشه خونسردی خود را به عنوان یکی از شاکیان حفظ کند، در پاسخ به سوال کارآگاه نجفی که پرسید گوشی تلفن تان کجاست؟ ناگهان رنگ از چهره اش پرید و در میان بهت و ناباوری گفت: به نگهبانی دادسرا تحویل داده ام! ولی کارآگاهان که از قبل موضوع را بررسی کرده بودند، با این جمله دیگر تردیدی نداشتند که با جنایت خانوادگی روبه رو شده اند و همسر مقتول نیز نقش مهمی در وقوع قتل دارد! به همین دلیل آن ها اصرار کردند تا گوشی تلفن را به کارآگاهان تحویل دهد اما او بلافاصله مدعی شد منظورم این بود که گوشی را دم در نگهبانی به برادرم تحویل دادم تا اگر کسی تماسی گرفت پاسخ بدهد! ولی خیلی زود مشخص شد که زن جوان سیم کارت دیگری دارد و حقیقت ماجرا را پنهان می کند و به احتمال زیاد «جواد-ع» نیز برای اطلاع از روند دادرسی در اطراف دادسرا حضور دارد! این گونه بود که گروهی از کارآگاهان در اطراف خیابان کوهسنگی مستقر شدند و با شگردهای خاص پلیسی طوری رفتار کردند که ناگهان مرد ۳۱ ساله ای با مشاهده زن جوان، کلاهش را بر سر کشید و ماسک بهداشتی را بر دهان زد تا شناسایی نشود و در همین حال به طرف صحن حیاط یکی از بیمارستان های اطراف حرکت کرد. در این شرایط خیلی زود افسران زبده اداره جنایی با راهنمایی های سرهنگ جواد بیگی (رئیس اداره جنایی آگاهی) اطراف این مرکز درمانی را به طور نامحسوس قرق کردند و در حالی حلقه های قانون را بر دستان «جواد-ع» حلقه زدند که بهت زده فریاد می زد مرا اشتباه گرفته اید؟ من کاری نکرده ام!...

ولی دیگر همه چیز برای کارآگاهان مانند سناریویی تکراری روشن بود. به همین خاطر هر دو متهم به پلیس آگاهی انتقال یافتند و مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفتند. اگرچه آن ها نیز مانند همه مجرمان تلاش می کردند تا وانمود کنند که بی گناه هستند اما وقتی اسناد انکارناپذیر را روی میز افسر پرونده دیدند دیگر دست از قصه پردازی برداشتند و به قتل «محمود-ج» با انگیزه اختلافات خانوادگی اعتراف کردند. زن ۳۳ ساله که زیر لامپ های روشن اتاق بازجویی، اشک می ریخت در یک لحظه با ابراز ندامت از وقوع چنین حادثه وحشتناکی گفت: من به یک ازدواج اجباری تن دادم و به همین دلیل با آن که پسری نوجوان و دختری خردسال دارم، مدام با همسرم درگیر بودم و با یکدیگر اختلاف داشتیم. حتی به او پیشنهاد دادم تا منزلی را که به نام من سند زده است به خودش بازگردانم تا حاضر به طلاق شود ولی هیچ وقت به جدایی از من راضی نشد! تا این که ماجرای اختلافات خودمان را با «جواد» (متهم دیگر) در میان گذاشتم. او از دوستان شوهرم بود و با یکدیگر معاشرت داشتند. این بود که نقشه قتل شوهرم را طراحی کردیم و منتظر فرصت ماندیم تا این که پانزدهم دی زمانی که پسر ۱۳ ساله ام در بیرون از خانه بود دو عدد قرص را درون استکان چایی حل کردم و به او خوراندم سپس «جواد» به خانه ام آمد و با شالی که به دستش دادم، شوهرم را در همان حال خواب آلودگی خفه کرد، بعد هم جسد را درون پراید خودش گذاشتیم و به جاده کنویست بردیم تا چنین وانمود کنیم که او هدف زورگیری مسافرنماها قرار گرفته است. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، «جواد-ع» (متهم ۳۱ ساله) نیز گفت: من با آن که دو فرزند داشتم اما از همسرم جدا شدم و هنوز ازدواج نکرده ام. وقتی همسر دوستم ماجرای اختلافات زندگی اش را برایم بازگو کرد من هم در ارتکاب قتل با او همراه شدم و با بستن شال دور گردن «محمود» او را خفه کردم. بعد از آن وقتی جسد را در میان علفزارها و درون خودرو رها کردیم گوشی تلفن را هم برداشتیم و در مسیر حرکت بیرون انداختیم ...تحقیقات بیشتر درباره ابعاد دیگر این جنایت هولناک با دستور محرمانه قاضی وحید خاکشور (قاضی ویژه قتل عمد) همچنان ادامه دارد.

[redacted]

متهم پرونده

عکس ها: اختصاصی خراسان

تصویری از محل رها کردن جسد درون خودرو در علفزار حاشیه جاده

در امتداد تاریکی

پروتئین های زهرآلود

من در جریان فعالیت و رفتارهای خانواده همسرم بودم اما به اتفاق همسرم زندگی سالمی داشتیم و هیچ گاه با پدرزنم در زمینه خرید و فروش موادمخدر گسترده در مشهد همکاری نکردم.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، روز گذشته ماموران کلانتری طبرسی شمالی مشهد از طریق منابع و مخبران محلی به سرنخ هایی از یک قاچاقچی حرفه ای و سابقه دار رسیدند که در زمینه خرید و فروش کلی موادمخدر سنتی فعالیت می کرد، بنابراین گروهی از افسران دایره مبارزه با موادمخدر به سرپرستی سرگرد علیزاده (جانشین کلانتری طبرسی شمالی) عازم یک فروشگاه پروتئینی شدند و جوانی را داخل فروشگاه دستگیر کردند که مدعی بود اطلاعی از وجود مواد مخدر در فروشگاه ندارد و برای کمک به پدرزنش در زمینه فروش گوشت و مواد پروتئینی به فروشگاه آمده است. در همین حال نیروهای انتظامی در بازرسی از داخل گاوصندوق، حدود یک کیلو و ۷۰۰ گرم تریاک را کشف کردند. طولی نکشید که ماموران با هماهنگی مقام قضایی، پسر جوان را به همراه موادمکشوفه به کلانتری انتقال دادند و سپس با دستور سرگرد احمدآبکه (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) تحقیقات گسترده ای برای دستگیری متهم اصلی پرونده در حالی آغاز شد که او از طریق واسطه هایی پیشنهاد ده ها میلیونی رشوه را مطرح کرده بود.

در همین حال بررسی های ماموران نشان داد که متهم فراری در زمینه انتقال موادمخدر از زابل به مشهد و سپس توزیع آن با قاچاقچیان مواد افیونی همکاری نزدیکی دارد. آن ها در پوشش های مختلف، موادمخدر را در بطری های آب معدنی و نوشابه بسته بندی می کنند و با شگردی خاص به مشهد انتقال می دهند.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه قاچاقچی سابقه دار مذکور با دستورات قضایی در حالی همچنان ادامه دارد که مشخص شد این فرد قاچاقچی در پوشش فروش مواد پروتئینی، اقدام به توزیع موادمخدر می کرده است و حتی خود را فردی خیّر جا زده بود.

ماجرای واقعی بر اساس یک پرونده قضایی

[illegible]

۱۰۵۱۵۹

ادامه در صفحه ۹ سراسری